

مشروطه تبریز و حاکمیت ملی

متن سخنرانی دکتر عباس قدیمی قیداری



یکصد و چهاردهمین سالگرد نهضت مشروطیت ایران را گرامی می‌داریم و به روان کوشندگان راستین آزادی، استقلال و دموکراسی ایران درود می‌فرستیم. در ابتدا تشکر می‌کنم از اندیشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران آقایان دکتر ظریفیان و دکتر پاشا زاده که این برنامه بزرگداشت نهضت مشروطیت ایران را ترتیب داده و تدارک دیده‌اند. آنگونه که در برنامه این نشست مجازی اعلام شده موضوع اصلی این نشست جنبش مشروطیت و تحقق حاکمیت ملی است بحث کوتاهی که من در خدمت دوستان خواهم داشت در ذیل این موضوع کلی اصلی قرار می‌گیرد و به نیروهای سیاسی آذربایجان و تبریز عصر مشروطیت و مساله حاکمیت ملی اختصاص خواهد داشت. بر اساس موضوعی که من انتخاب کرده‌ام لازم می‌دانم یک دسته بندی از نیروهای سیاسی تبریز عصر مشروطیت را داشته باشم و پیرو آن مساله حاکمیت ملی و مولفه های آن را در این مجال اندک پیش ببرم.

نیروهای سیاسی تبریز عصر مشروطه در یک دسته بندی کلی به چندسه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول نیروهای مشروطه خواه و طرفدار آزادی و نظام سیاسی نوین که شامل بازرگانان، طیفی از علما و مجاهدان و طبقه جدید درس خوانده که پایگاه این نیروهای سیاسی عمدتاً بازار، مدارس جدید و بعضاً کارگاه های تولیدی بود و عمدتاً در محلات جنوب مهران رود و یکی دو محله در شمال مهران رود جای می‌گرفتند. این نکته هم مهم است که از نظر خاستگاه و پایگاه این نیروهای سیاسی مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرند. دومین دسته نیروهای ضد مشروطه و همسو با دربار هستند که شامل علمای برجسته، علمای میانه و طرفداران سنتی آنها و برخی روسای ایلات و عشایر آذربایجان که به طور آشکار اندیشه های ضد جریان آزادی و مشروطه

را دنبال می کردند و طرفدار حفظ وضع سیاسی و اجتماعی موجود بودند. دسته سوم نیروهای سیاسی فاقد جهت گیری های خاص سیاسی هستند که گاه با واکنش ها و گرایش هایی به سمت و سوی دسته اول و دوم دیده می شوند. با این دسته بندی و طبقه بندی من می خواهم نسبت اندیشه ها، اقدامات و عملکرد این نیروها را در پیوند با حاکمیت ملی به طور کوتاه به بحث بگذارم.

وقتی از حاکمیت ملی سخن به میان می آید، علی القاعده باید به چند ویژگی در یک نگاه کلی و شتابان توجه کرد این مؤلفه ها را می توان چنین مطرح کرد: به طور مشخص مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش، نظارت مردم بر جامعه، حکومت و دولت و سوم استقلال و مقابله با هر گونه نفوذ و سلطه خارجی. از مظاهر و جلوه های آشکار حاکمیت ملی میتوان به مجلس یا پارلمان، قانون اساسی و نهادهای مردمی ملی و مدنی اشاره کرد. مطالعه و بررسی عصر مشروطیت که با نام تبریز و آذربایجان یک پیوند عمیق و غیر قابل انکار دارد در شهرهای ایران و البته آذربایجان و تبریز نشان می دهد که نیروهای سیاسی تبریز عصر مشروطه چه اندازه در اعتقاد و باور و تحقق حاکمیت ملی یا عدم تحقق آن کوشیده اند در اینجا بیشتر به این مساله به طور گذرا اشاره خواهم کرد. همه می دانیم که رویدادهای اعتراضی تهران که منجر به صدور فرمان مشروطیت در مرداد ماه 1285 شد از پاییز و زمستان 1284 در تهران آغاز شد و در بهار 1285 هجری شمسی تداوم پیدا کرد و در نهایت در مرداد منجر به صدور فرمان مشروطیت ایران شد. از تیر و مرداد 1285 بود که کم کم اخبار و رویدادهای تهران به تبریز کشید و تبریز بعد از تهران دومین شهر ایران شد که جنبش مشروطه خواهی ایران را پیش برد و البته مدتی بعد این شهر دوم نقش اساسی و اولین را در جریان مشروطه خواهی ایرانیان به عهده گرفت. از همان روزهای نخست نقش آفرینی تبریز و قبل از تدوین قانون انجمن های ایالتی و ولایتی همانطور که همه می دانیم انجمن تبریز شکل گرفت با ترکیبی از نیروهای مشروطه طلب و آزادی خواه که وظیفه پیشبرد مؤلفه های حاکمیت ملی را به طور شگفت انگیزی بر عهده گرفتند و نه تنها برای آذربایجان و تبریز بلکه برای سراسر ایران چنانکه می بینیم بعد از مدتی و بعد از چند ماه این انجمن ایالتی تبریز که انجمن ملی یا انجمن مقدس هم خوانده می شد این وظیفه را برای سراسر ایران برای خود قائل شد و آن را با ابزارهایی که در دست داشت به پیش برد. اقدامات و عملکرد انجمن تبریز دقیقاً در جهت مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود، ترویج و تبلیغ وظیفه نظارتی و مقابله با هر گونه وابستگی اقتصادی و سیاسی به دول بیگانه بود. مطالب و نوشته های مندرج در روزنامه انجمن که ارگان

انجمن ایالتی آذربایجان یا انجمن تبریز به شمار می‌رفت گویای این نکته است که انجمن تبریز برای خود نقشی فراتر از تبریز و آذربایجان قائل بود و عمدتاً در یک موقعیت آرمانی و ملی به ایران و تمامیت ارضی ایران، وحدت ملی و در نهایت استقرار حاکمیت ملی می‌اندیشد. در جای جای روزنامه انجمن و در تلگراف‌هایی که انجمن تبریز به شهرهای مختلف ایران و یا به مجامع بین‌المللی فرستاده است این نکته‌ای که عرض کردم آشکارا دیده می‌شود. این نقش ماندگار و موثر انجمن تبریز صرفاً متوقف در آنچه که گفتم نیست، انجمن تبریز با درک و اعتقاد به اجزا و عناصر شکل‌دهنده حاکمیت ملی که بعضی از ویژگی‌های آن را اشاره کردم هم در شهر تبریز و هم در شهرها و روستاهای آذربایجان و هم از طریق ابزارهایی برای کل ایران، سعی می‌کرد اندیشه‌ها و مفاهیم جدید را به زبان ساده تبلیغ و ترویج کند و مبارزان راه آزادی، پیشرفت و استقلال ایران در نقاط مختلف را برای استقرار حاکمیت ملی تحریک کند و آنها را همسو با جریان بزرگ مشروطه خواهی ایران قرار دهد.

بعد از این اشاره کلی لازم می‌بینم که به بعضی از مصادیق نقش و عملکرد نیروهای سیاسی تبریز در عصر مشروطه اشاره گذرایی داشته باشم. نخستین بار نقش و عملکرد نیروهای سیاسی در مقاومت یازده ماهه مردم تبریز از به توپ بستن مجلس از تیرماه 1286 تا اردیبهشت 1287 جلوه و ظهور می‌یابد. می‌دانیم که با به توپ بستن مجلس و انهدام آن به دست محمدعلی شاه و روس‌ها مشروطیت از ایران رخت بریست و این تنها تبریز بود که وظیفه احیا و بازگرداندن آن را بر عهده گرفت و به قول یحیی دولت‌آبادی به تنها امیدگاه آزادی خواهان تمام ایران تبدیل شد. روایت داستان حماسی این مقاومت جانانه و شگفت‌انگیز در این مجال نمی‌گنجد اما فقط باید به این نکته اشاره کنم که این مقاومت استبداد را بار دیگر شکست داد و مشروطه را احیا کرد و نماد نظام نوین سیاسی در ایران را بار دیگر برپا نمود. به این نقش تاریخی تبریز و مجاهدان و آزادی خواهان و مشروطه طلبان تبریز احمد کسروی در دو کتاب ارزشمند و معتبر خود به طور مفصل پرداخته که مطالعه چند باره این کتاب برای هر دوستدار و علاقمند به نهضت مشروطیت لازم و ضروری است. در روزهای مقاومت مردم تبریز که یازده ماه طول کشید در مقابل محاصره همه جانبه شهر و جنگ شهری بی‌سابقه و بی‌نظیری که در تبریز اتفاق افتاد، انجمن تبریز نقش مجلس شورای ملی را بر عهده گرفت و خیلی جالب است که از سوی مشروطه خواهان سایر شهرهای ایران این نقش پذیرفته شد. اخبار مقاومت مردم تبریز و نیز رهنمودهای انجمن به مبارزان و مجاهدان شهرهای دیگر زمینه خیزش مجدد را آماده ساخت و

در نهایت چنانکه می دانیم مجاهدان بختیاری و گیلانی تهران را فتح کردند، همین سران مجاهدان بختیاری و گیلانی گزارش پیروزی ها و اقدامات خود را مرتب به انجمن تبریز ارسال می کردند نکته ای که می خواهم در رابطه با حاکمیت ملی بگویم در همین جا است در روزهای پایانی مقاومت مردم تبریز و مدتی کوتاه قبل از فتح تهران به دست مجاهدان بختیاری و گیلانی، تبریز به بهانه باز کردن راه آذوقه و حفظ امنیت اتباع خارجی از سوی روس ها تهدید به اشغال شد. همین تهدید سبب شد تا مجاهدان و مشروطه خواهان تبریز به محمدعلی شاه که در واقع دشمن و طرف اصلی آنها به شمار می آمد و تمام مشکلات، مصائب و دشواری های یازده ماهه ناشی از دیکتاتوری و استبداد محمدعلی شاه بود نامه ای شگفت انگیز ارسال کنند و آن اینکه مشروطه خواهان تبریز از خواسته های خود می گذرند و به ظلم شاه راضی هستند اما راضی به اشغال کشور به دست روس ها نیستند. این نمونه ای گویا، واضح و روشن است از گرایش و باور درونی آزادی خواهان و مشروطه خواهان تبریز به استقلال و نفی حضور بیگانه که از مولفه های مهم حاکمیت ملی به شمار می رود. این دیدگاه و باور وقتی برجسته می شود که در مقابل نقش سیاسی جریان ضد مشروطه تبریز قرار بگیرد که به آن اشاره خواهم کرد. با وجود تمام تلاش ها و تکاپوها روس ها تبریز را اشغال کردند بمانند اینکه روس ها در این اشغال با زنان و کودکان و مردمان عادی چه کردند، اما نکته ای که مهم است و به اشاره و به تلویح به آن پرداختم نقش نیروهای سیاسی مخالف جریان مشروطه و جریان آزادی خواهی ایران است، این نیروهای سیاسی که طیف مقابل جریان مشروطه و آزادی خواه تبریز را شکل می دادند از آمدن روس ها و اشغال تبریز به دست نیروی بیگانه استقبال کردند و مخبر السلطنه والی جدید آذربایجان هم در این زمان به اقتضای موقعیت و ضرورت های جدید گرایش های روسی از خود نشان داد و با سیاست روس ها همراهی نمود. با اشغال تبریز به دست روسها، آزادی خواهان و مشروطه طلبان یا دستگیر شدند و یا تبعید شدند و برخی نیز فرار کردند. پس در این رویداد تاریخی ما دو نقش را از دو طیف یا دو دسته مخالف هم در ربط با حاکمیت ملی شاهد هستیم. دو سال بعد از این بار دیگر نقش آفرینی جدیدی برای نیروهای سیاسی تبریز اتفاق افتاد و آن در دوران مجلس دوم و اولتیماتوم معروف روس ها به دولت ایران است. ببینید باز در اینجا انجمن تبریز نقش برجسته ای ایفا کرد و این نشان می دهد که انجمن تبریز برای خود نقش منطقه ای قائل نبود یک نقش ملی و فراملی در استقرار حاکمیت ملی ایران قائل بود، در این فقره نیز شاهد هستیم که انجمن تبریز فعالیت گسترده ای را آغاز کرد. به نمایندگان

مجلس، دولت، انجمن های ایالتی و ولایتی تلگراف ها ارسال نمود مبنی بر عدم پذیرش اولتیماتوم روس ها و ضرورت مقابله با تعرض و سلطه روس ها بر ایران و حتی علمای نجف را بر علیه روس ها برانگیخت و از علمای نجف فتوای تحریم کالاهای روسی را گرفت و البته این موجب خشم روسیه و ارتش اشغال گر روسیه شد که بعدها در واقع به تلافی این فعالیت ها و مخالفت ها، ضربه شدیدی بر انجمن وارد کردند. بار دیگر روس ها در پی این اولتیماتوم مجلس دوم را به تعطیلی کشاندند و به دنبال آن در آذر 1290 و اوایل دی ماه تبریز بار دیگر اشغال شد. نقش متفاوت نیروهای سیاسی باز در اینجا جلوه گری نمود. قبل از اینکه روس ها وارد شهر بشوند اعضای انجمن و سران مشروطه طلب و آزادی خواه تبریز باز هم به خاطر استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران در صدد بر آمدند به گونه ای به یک تفاهم و وحدت با نیروهای مخالف مشروطه برسند و باب گفتگو را با سران و بزرگان جریان ضد مشروطه و طرفدار استبداد و محمد علی شاه باز و ضرورت اتحاد و همدلی در مقابل اشغال و نفوذ خارجی را برای این طیف بازگو کنند، اما جریان مخالف مشروطه از این درخواست و از این پیشنهاد انجمن تبریز و مجاهدان و مبارزان آزادی خواه و مشروطه استقبال نکرد و باز هم نقش سیاسی متفاوتی را ایفا کرد. تلاش انجمن چنانکه می دانیم به جایی نرسید و روس ها تبریز را اشغال کردند، ساختمان های دولتی را تخریب نمودند و به روی مردم آتش گشودند و حدود 500 نفر از مردم عادی زنان و کودکان را کشتند، نهادهای مدنی و ملی را منهدم کردند، ساختمان انجمن را نابود کردند و مدارس را تخریب و به تعطیلی کشاندند. و هرآنچه که با نظام سیاسی و اجتماعی نوین و مشروطیت نسبتی داشت را نابود کردند و حکومت هراس و وحشت را در تبریز راه انداختند و نکته مهم این است که عناصر مخالف مشروطه و آزادی در تبریز با روس ها در این کارها همراهی کردند. می دانیم که یکی از روزهای خونین تبریز در این دوران اتفاق افتاد. در 10 دی ماه 1290 که مصادف با روز عاشورا بود برخی از برجسته ترین، خوشنام ترین و پاک ترین چهره های مشروطه آذربایجان و ایران توسط روس ها به دار آویخته شدند و تبریز عملاً در پی یک هراس و وحشتی که روس ها ایجاد کردند به وضعی بهت آور دچار شد. روس ها و عناصر ضد مشروطه و آزادی حکومت را در تبریز و آذربایجان در دست گرفتند. آنچه به اجمال اشاره شد گزارشی کوتاه بود از نقش نیروهای سیاسی تبریز در عصر مشروطه: دسته ای باورمند به آزادی و مشارکت مردم در سرنوشت خویش و استقرار قانون و پارلمان و مبارزه با هرگونه نفوذ و دخالت دولت خارجی و حتی در مواقعی دست کشیدن از باورها و اندیشه های معتقد به مشروطه و آزادی در هنگامه تهدید خارجی و

دسته دیگر مخالف جریان آزادی و مشروطه و باورمند به بقای خویش حتی با اشغال سرزمین خود به دست بیگانه و به عبارت دیگر ذبح حاکمیت ملی و نهادهای ملی و مردمی و دموکراتیک در پای منافع گروهی. خود این در واقع اشاره موجز و کوتاهی از نقش متفاوت نیروهای سیاسی تبریز عصر مشروطه در پیوند با حاکمیت ملی بود. من آرزو می کنم تاریخ مشروطیت ایران در پیوند با حاکمیت ملی مورد توجه جدی قرار بگیرد که درس و تجربه ای است برای حال و آینده کشور عزیز ما ایران. در پایان یاد و خاطره کوشندگان راه آزادی و پیشرفت و استقلال ایران به ویژه کوشندگان آذربایجانی این راه را گرامی می دارم و آرزو می کنم نام آنها همیشه زنده و جاوید بماند.